

بسم الله الرحمن الرحيم

سوال و جواب

مذاکرات ایران و آمریکا

(ترجمه)

سوال:

سلطنت عمان، که در مذاکرات میان آمریکا و ایران نقش میانجی‌گری را دارد، روز پنج‌شنبه اعلام کرد که دور چهارم گفت‌وگوها که قرار بود روز شنبه در پایتخت ایتالیا، روم، برگزار شود، به دلایل لوژستیکی به تعویق افتاده است، بدون آن‌که تاریخ جدیدی تعیین کند. (منبع: الشرق، ۱ می ۲۰۲۵)

گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان ایالات متحده و ایران نخستین‌بار در تاریخ ۱۲ اپریل ۲۰۲۵ در پایتخت عمان، مسقط، با میانجی‌گری وزیر خارجه عمان، بدر البوسعیدی، آغاز شد. دور دوم این گفت‌وگوها در ۱۹ اپریل ۲۰۲۵ در سفارت سلطنت عمان در رم، باز هم با میانجی‌گری وزیر خارجه عمان برگزار شد. دور سوم نیز روز شنبه، ۲۶ اپریل ۲۰۲۵، در عمان و تحت همان میانجی‌گری عمانی برگزار گردید.

اکنون این پرسش‌ها مطرح است:

- چرا ترامپ اکنون می‌خواهد دوباره توافق هسته‌ای با ایران را امضا کند، با آن‌که در سال ۲۰۱۸ به‌صورت یک‌جانبه از توافقی که در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ امضا شده بود، خارج شد؟
- چرا دور چهارم به تعویق افتاد؟
- مقصود از "دلایل لجستیکی" چیست؟
- آیا این تعویق به معنای قطع مذاکرات است؟

جواب: نخست باید شرایطی را مرور کنیم که در سال ۲۰۱۵ هنگام امضای توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای غربی حاکم بود، سپس به زمینه و بستر خروج ترامپ از توافق در سال ۲۰۱۸ و شرایط آن زمان بازگردیم، و پس از آن به بررسی تحولات جدید و جاری پیرامون مذاکرات میان ایالات متحده و ایران بپردازیم.

1. عواملی که آمریکا را در سال ۲۰۱۵ به امضای توافق هسته‌ای با ایران واداشت:

ما در سوال و جوابی که در تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۱۵ درباره امضای این توافق منتشر نمودیم، چنین گفتیم: «... رئیس‌جمهور آمریکا مذاکرات را از راه دور مدیریت می‌کرد، با ارتباط مستقیم و توجه فراوان برای بستن این توافق، و وزیر خارجه‌اش را سه هفته‌ی پی‌درپی - به‌جز تماس‌های قبلی - درگیر آن ساخت، که این نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالای این توافق برای آمریکا و منافع دولت اوباما بود. این توافق ایران را محدود کرد و آن را از ساخت هرگونه سلاح هسته‌ای بازداشت. اگر این را با اظهارات پیشین رئیس‌جمهور آمریکا و دیگر مقامات آمریکایی درباره نقش استراتژیک ایران در منطقه و آمادگی برای همکاری با آن - بلکه همکاری عملی با آن همان‌گونه که مشهود است - پیوند دهیم، و همچنین با اظهارات مقامات ایرانی که در آن‌ها از همکاری با آمریکا در عراق و افغانستان سخن گفته و آمادگی خود را برای همکاری در مبارزه با تروریسم و افراطگرایی اعلام کرده‌اند، و با آنچه واقعاً دیده می‌شود از موافقت ضمنی آمریکا با آنچه ایران و حزب آن در سوریه انجام می‌دهند... همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که آمریکا با این توافق به دنبال تسهیل شرایط برای ایران، رفع تحریم‌ها و ایجاد روابط آشکار با آن بوده است، تا ایران بتواند نقشی ایفا کند که کار آمریکا را آسان‌تر و بار آن را سبک‌تر سازد و چهره‌ی اقدامات آمریکا را در برابر دولت‌ها و ملت‌های منطقه بپوشاند. به‌گونه‌ای که ایران سیاست آمریکا را عملاً اجرا کند همان‌گونه که اکنون در عراق، سوریه و یمن رخ می‌دهد، اما این‌بار نه از پشت پرده‌ای تاریک بلکه از پشت پرده‌ای شفاف یا

حتی بدون پرده...» بر این اساس، اوپاما در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ توافق هسته‌ای را با ایران امضا کرد تا نقش آن کشور را در سوریه فعال‌تر سازد.

2. عواملی که دولت ترامپ را در سال ۲۰۱۸ به لغو توافق هسته‌ای امضا شده با ایران در سال ۲۰۱۵ واداشت:

الف) امریکا به‌طور فعال عربستان سعودی و ترکیه را وارد تحولات منطقه کرد. ترکیه در این راستا نقش پررنگی ایفا کرد؛ چنان‌که در سال ۲۰۱۶ عملیات «سپر فرات» را انجام داد و در ماه مارچ ۲۰۱۸ عملیات «شاخه زیتون» را آغاز نمود. در کنار آن، عربستان سعودی نیز نقش خود را در منطقه افزایش داد. بنابراین، دیگر نیازی به نقش محوری ایران در سوریه نبود و لازم بود که این نقش محدود شود. این دقیقاً همان کاری بود که ترامپ انجام داد؛ او نقش ایران را در منطقه کاهش داد و آن را از یک بازیگر اصلی به یک نقش ثانوی یا مکمل تبدیل کرد.

ب) کشورهای اروپایی نیز یکی از طرف‌های توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بودند و بیشترین بهره‌برداری را از آن می‌بردند. اما ترامپ تمایلی نداشت که اروپا از توافقی که در دوران اوپاما امضا شده بود بهره ببرد، از این رو آن را لغو کرد.

بدین ترتیب، اعلام خروج ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران نتیجه‌ی تحلیلی بود بر اساس منافع آمریکا که ایجاب می‌کرد از توافق خارج شود و زمینه را برای شروط جدیدی فراهم آورد که نقش ایران را در منطقه محدود سازد.

3. عواملی که ترامپ را در سال ۲۰۲۵ به بازگشت به توافق هسته‌ای واداشت؛ توافقی که خود در سال ۲۰۱۸ آن را لغو کرده بود:

با نگاهی به رویدادهایی که پس از روی کار آمدن ترامپ در کاخ سفید از تاریخ ۲۰ جنوری ۲۰۲۵ رخ داد، می‌توان انگیزه‌هایی را که آمریکا را به بازگشت مجدد به توافق هسته‌ای سوق داد، چنین برشمرد:

الف: روشن است که این دولت ترامپ بود که پیش‌گام از سرگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران شد. او در تاریخ ۷ مارچ از طریق میانجی‌گری عمان، پیامی برای تهران فرستاد و تمایل صریح خود را برای بازگشت به مذاکرات و دستیابی به توافقی جدید اعلام کرد. ترامپ در مصاحبه‌ای با شبکه "فاکس بیزنس" گفت که در روز پنج‌شنبه، ۶ مارچ، پیامی برای رهبر ایران، علی خامنه‌ای، فرستاده و در آن اظهار داشته که ترجیح می‌دهد درباره توافق با تهران مذاکره شود. وی افزود: "گزینه دیگر این است که باید اقدامی صورت گیرد، زیرا ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد". ترامپ در خصوص محتوای نامه گفت: «به او گفتیم امیدوارم مذاکره کنید، زیرا این برای ایران بسیار بهتر خواهد بود». (منبع: ایران اینترنشنال، ۲۰۲۵/۰۳/۰۷)

ب: ترامپ در سال ۲۰۱۸ توافق هسته‌ای را لغو کرد، چرا که سود اصلی این توافق (که در سال ۲۰۱۵ بین پنج کشور دائم شورای امنیت و آلمان امضا شد) به اروپا رسید. در نتیجه، ترامپ در دور جدید مذاکرات، کشورهای اروپایی را از مذاکرات کنار گذاشت، بر خلاف آنچه در سال ۲۰۱۵ روی داد. او نه با آنان مشورت کرد و نه از مذاکراتی که در عمان انجام می‌شد، آنان را باخبر ساخت. این اقدام در جهت خنثی‌سازی تلاش‌های اروپا برای گفت‌وگوهای مستقل با ایران بود. بر اساس گزارش الشرق، ۲۵/۰۴/۲۴؛ دیپلمات‌های اروپایی به "رویترز" گفته‌اند که در پی برگزاری نشست جدیدی با ایران بودند، اما این تلاش‌ها زمانی متوقف شد که تهران مذاکرات غیرمستقیم با دولت ترامپ را آغاز کرد. آمریکا مذاکرات عمان را به اطلاع اروپایی‌ها نرساند. حتی انتخاب ایتالیا به عنوان میزبان دور دوم مذاکرات – که دولت آن به رهبری نخست‌وزیر راست‌گرای "ملونی" مورد حمایت ترامپ است – پیامی به اروپا به‌ویژه بریتانیا، فرانسه و آلمان بود که ترامپ با آن‌ها در ناتو اختلافاتی داشت.

ج: آمریکا در پی تمرکز کامل بر رقابت جهانی با چین است؛ از این‌رو می‌خواهد از عواملی که موجب ائتلاف منابع و تمرکز آن می‌شود، رهایی یابد. مذاکرات جاری با روسیه نیز در همین راستا قابل تفسیر است: آمریکا تلاش دارد با کشاندن روسیه به میز مذاکره در زمینه بحران اوکراین، آن را از چین جدا کرده و محور پکن-مسکو را تضعیف نماید. در واقع، اولویت استراتژیک ترامپ مهار چین است.

د: تمایل رژیم یهود به حمله به ایران به بهانه جلوگیری از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای نیز عاملی دیگر است. همان‌طور که می‌دانیم، این رژیم در اکتوبر ۲۰۲۴ به ایران حمله کرد و ایران در پاسخ، حملاتی موشکی انجام داد تا قدرت خود را نشان دهد؛ آن هم پس از هماهنگی قبلی با آمریکا و خود رژیم یهود. اکنون آمریکا تمایل ندارد در دوره تمرکز بر چین، با چنین حملاتی مشغول گردد. از این‌رو، در پی توافق هسته‌ای با ایران است تا امنیت رژیم یهود را تضمین کرده و بهانه‌ی حمله را از دست آن‌ها بگیرد. در واقع، ترامپ – که بیش‌ترین حمایت را از رژیم یهود در میان رؤسای جمهور آمریکا داشته – با این توافق، دست آن‌ها را از بهانه‌جویی خالی کرده، و در عین حال اولویت را به منافع اقتصادی آمریکا و مقابله با چین می‌دهد تا بتواند بی‌هیچ مزاحمتی روی آن تمرکز کند. بنابراین، ترامپ این مذاکرات را برای رسیدن به توافقی آغاز کرد که ظرفیت هسته‌ای ایران را محدود کند، بدون حضور یا دخالت کشورهای اروپایی.

4. اما چرا دور چهارم مذاکرات به تعویق افتاد، دلیل آن طبق گزارش رسانه‌ها «دلایل لجستیکی» عنوان شده است.

کلمه «لوجستیک» طبق آنچه در ویکی‌پدیا آمده به معنای «هنر تدارک و پشتیبانی» است. لوجستیک (به انگلیسی) (Logistics) : یا آنچه به عربی «فن السوقيات» گفته می‌شود، به معنای علم و هنر مدیریت جریان کالا، انرژی و اطلاعات است... به نظر می‌رسد منظور از دلایل لجستیکی، آماده‌سازی شرایط و آرام‌سازی فضا پس از آن است که آمریکا هم‌زمان با مذاکرات جاری با ایران، تحریم‌هایی را اعمال کرده است.

یک مقام ایرانی به خبرگزاری رویترز گفته است: «مذاکرات میان ایران و آمریکا در زمانی دیگر برگزار خواهد شد، و این امر به رفتار آمریکا بستگی دارد. تحریم‌های واشنگتن علیه تهران کمکی به روند دیپلماتیک برای حل منازعه هسته‌ای نمی‌کند». این سخنان پس از آن ایراد شد که آمریکا تحریم‌های تازه‌ای را علیه نهادهایی که به تجارت غیرقانونی نفت و محصولات پتروشیمی ایران متهم شده‌اند، اعمال کرد. (طبق گزارش الشرق، ۱ می ۲۰۲۵، آمریکا روز چهارشنبه تحریم‌هایی را در همین راستا وضع کرده و هدف آن افزایش فشار بر ایران بوده است).

این تحریم‌ها دقیقاً در زمانی وضع شدند که مذاکرات به‌طور جدی در حال انجام بود. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، اسماعیل بقایی، در این رابطه گفت: «تهران با جدیت و قاطعیت به مشارکت در مذاکراتی ادامه خواهد داد که هدف آن دستیابی به نتایج با ایالات متحده است.» (منبع: الشرق، ۱ می ۲۰۲۵)

بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که این تعویق به معنای قطع مذاکرات باشد؛ بلکه تنها تعویقی موقتی است برای آرام‌سازی فضا به دلیل تحریم‌های آمریکا در خلال روند گفت‌وگوها.

5. واقعاً جای تعجب دارد که حاکمان در سرزمین‌های اسلامی اجازه می‌دهند آمریکا در تعیین میزان قدرت، تسلیحات و صنایع نظامی مسلمانان دخالت کند! این حاکمان نمی‌فهمند که در اسلام، آمادگی نظامی برای شکست دشمن، ترساندن و مرعوب ساختن اوست؛ حال اگر دشمن بتواند با جزئیات درباره قدرت ما تصمیم‌گیری کند، این یعنی شکست ما حتی پیش از آغاز نبرد!

چگونه ایران به آمریکا اجازه می‌دهد در توان نظامی‌اش، موشک‌هایش و برنامه هسته‌ای‌اش دخالت کند، در حالی که خود آمریکا زرادخانه‌هایش را از سلاح‌های هسته‌ای پُر کرده و حتی ده‌ها سال پیش آن را در هیروشیما و ناگازاکی به کار برده است؟! آمریکا آشکارا اعلام می‌کند که به ایران اجازه نخواهد داد به سلاح هسته‌ای دست یابد. در حالی که اصل آن است که ایران و دیگر حاکمان سرزمین‌های اسلامی با صدای بلند به آمریکا بگویند: اول تو زرادخانه‌های هسته‌ای‌ات را نابود کن، سپس از دیگران بخواه سلاح هسته‌ای نداشته باشند... و موشک‌های خودت را از بین ببر، آنگاه از دیگران بخواه موشک نداشته باشند. اینکه دشمنان تسلیحات سنگین داشته باشند ولی از مسلمانان بخواهند آن را نداشته باشند، سخنی است سرشار از زورگویی، تکبر و تحقیر دیگران، اگر مسلمانان درک می‌کردند. الله متعال توانای شکست‌ناپذیر این مطلب را در کتاب خویش چنین بیان کرده است:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ
وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ﴾ [انفال: ۶۰]

ترجمه: و برای [مقابله با] آنان، هر نیرویی که در توان دارید، و نیز اسب‌های آماده [برای رزم] فراهم سازید، تا با آن دشمن الله و دشمن خودتان و دیگرانی غیر از آنان را که شما نمی‌شناسید اما الله آنان را می‌شناسد، به هراس اندازید، و هر چیزی که در راه الله خرج کنید، تماماً به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد.

در مقدمه‌ی قانون اساسی، صفحه‌ی ۲۵۶، چنین آمده است:

ماده ۶۹: «باید اردو دارای سلاح‌ها، تجهیزات، امکانات، لوازم و نیازمندی‌هایی باشد که او را در انجام وظیفه‌اش به‌عنوان یک اردوی اسلامی یاری رساند...»

پس این کلمه‌ی «ی» را که الله تعالی به کار برده (تَرْهِيُونَ)، دلیلی برای آمادگی و تجهیز است. آمادگی، زمانی کامل شمرده می‌شود که آن علت و هدفی که برای آن تشریع شده، تحقق یابد؛ یعنی ترساندن دشمنان و منافقان. از همین‌جاست که واجب بودن فراهم‌آوردن سلاح‌ها، تجهیزات، امکانات و دیگر نیازمندی‌های ارتش به‌میان آمده است تا «ترس» ایجاد شود؛ و به‌طریق اولی، تا ارتش بتواند وظیفه‌ی خود را که جهاد برای گسترش دعوت اسلامی است، به‌درستی انجام دهد...

تمام این مطالب دلالت بر آن دارد که بر مسلمانان واجب است تا نهایت تلاش خود را به‌خرج دهند تا نیروی‌شان بر نیروی دشمن برتری یابد و بتوانند رعب و هراس را در دل آنان وارد کنند. برای رسیدن به این هدف، باید قدرت ما به اندازه‌ای باشد که همواره به‌صورت کابوس و دغدغه‌ای ذهنی، دشمن را مشغول و بیمناک نگهدارد. همه‌ی این امور با ورود به مذاکراتی که در آن دشمن برای ما تعیین کند که چه نوع سلاحی داشته باشیم و ما را از داشتن نیرویی که او را بترساند باز دارد، در تضاد و تناقض کامل قرار دارد.

از الله سبحانه و تعالی مسئلت می‌نماییم که حزب‌التحریر، این پیش‌گام صادق که هرگز به اهل خود دروغ نمی‌گوید، را در برپایی دولت اسلام، خلافت راشده، یاری فرماید؛ آن‌هم به‌زودی و بدون تأخیر. آنگاه این دولت، دشمن را همان‌گونه که در گذشته نیز چنین بود، به وحشت خواهد انداخت، خیر و نیکی را در سراسر جهان گسترش خواهد داد و نیرنگ کفار را به‌سوی خودشان باز خواهد گردانید.

(وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ) [روم: ۴-۵]

ترجمه: و در آن روز مؤمنان شادمان خواهند شد، به یاری الله او هر که را بخواهد یاری می‌دهد، و اوست شکست‌ناپذیر مهربان.

۴ ذی‌القعدة ۱۴۴۶ ه.ق.
۲ می ۲۰۲۵ م.

مترجم: عبدالله دانشجو